پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (پنجاه و دوم) دوشنبه ۲۶ حوت ۱۳۴۷ هـ - ۱۷ مارچ ۱۹۶۹

د بنځو دموکراتیک سازمان د مارچ داتمی د (۱۳۴۷ کال دحوت د ۱۷) نیټی په کنفرانس کی، چه د هغه خبر د پرچم په تیره گنه کی خپور شو، وروسته له شور او بحث نه دسازمان فعالینو د پرگرام طرح د رایو په اتفاق تصویب کړه، چه دلته یی متن (پښتو او دری) وړاندی کیږی.

پښتو متن

د افغانستان دښځو د دموکراتیک سازمان د فعالیتونو د پرګرام طرح

د افغانستان دښځو د دموکراتیک سازمان د مارچ د اتمی د (۱۳۴۷ کال دحوت د ۱۷) نیټی کنفرانس اعلام کوی:

ددی له کبله چه ښځه په اجتماعی ژوند کیدرنه برخه لری،

ددی له کبله چه ښځه دماشومانوپه نیک مرغی کی په نه ستومانه کیدونکی توکه فعلیت کوی.

ددی لپاره چه باید دافغانستان ښځه دهیواد له نارینه سره وړه په اړه دضداستبداد، ضد ارتجاع اوداستعمار دتولو اشکالو پرضد، په آزادی ښونکی مبارزه کی فعاله برخه واخلی.

د دی لپاره له کبله چه د افغانستان ښځی (د هموطنو، د میندو او کارګرانو په حیث) په نظر او عمل کی د ښځی د حقوقو د رسمی پیژند کلوی د موروالی د حق، د کارحق، د تحصیل د حق او په کورنکی د مساوات د حق او د پراخو دموکراتیکو حقوقو او د آزادیو د بشپړ تحقق د رسمی پژندنی جدی هیله مندی دی.

د دی له کبله چه دافغانستان ښځه د پایداری سولی د تامین، د ملی استقلال، دموکراسی اواجتماعی پرمختک په لیاره کی مجدانه ګدون وکړی.

اوپه پای کی ددی له کبله چهدبشر حقوقو اعلامیی اوپه اساسی قانون کی مصرحه آزادیو، افغانی ښځوته یولرحقوقواوآزادیو ورکړی دی. مګرزیات خندونه دهغوی دعملی کیدوپه لاره پراته دی. ددی ضرورت دی چه دافغانستان دښځ اتحاداوپیوستون، اعم له کارګرو، بزګرواومنوروښځونه اوصرف نظرله نژادی، قومی، قبیلوی، مذهبی اودسیاسی نظریاتوله توپیرنه تأمین شی اودکدو هدفونواو دافغانستان ښځو ددموکراتیک سازماندفعالیتونو ددغه پرګرام دتحقق په لاره کی مبارزه وشی:

۱ ـ په ټولوعرصو کی دښځومساوی حقوقو تأمین اعم له اقتصادی، اجتماعی، مدنی، سیاسی اوکلتوری اوپه کار اوتولنه کی ښځی دمقام احترام.

۲ ـ بی له قیدوشرط نه د ښځودکار دحق تأمین له نارینه ووسره مساوی کار په مقابل کی مساوی لاس مزد اوپه تولو چارو اوحرفو کی اشتغال حق.

۳ ـ په کیلو کی دښځو دکاراوژوند دشرایطوٌه کول اودبرابرو مزد اداکول دهغوی د کارپه مقابل کی.

۴ ــ دموراوماشوم حمایه، دکورنی دژوند دشرایطو ښه کول. دتولوښځو لپاره اجتماعی خدمتونودموسسوایجادول.

۵ ــ دبیسوادی نست کول اودښځو لپاره دتعلیم اوتحصیل دمساوی حق تامینول.

۶ ــ دخرافی عاداتو څخه، ظالمانه عنعنو څخه اوله ضدانسانی رسوموځخه دښځی خلاصون، دازدواج، ملکیت اوماشومانوپه چاروکی دښځی دحقحقو تأمین اودکورنی دتشکیل لپاره دښځی اونارینه په خوښه مصونواجتماعی شرایطو ایجاداوداجباری ازدواج پرضد مبارزه.

۷ ــ دپراخو دموکراتیکوحقوق اوآزادیوتامین (دانتخابولواوانتخابیدلوحق، دبیاتن آزادی، په احزابوکی ګډون، اجتماعات، تظاهرات اونور.

۸ ــ دتعلیم اوروزنی په لحاظ دماشومانودحق اودهغوی لپاره بی له تبعیض نه په مورنی ژبه تعلیماتودحقاودروغتیااورفاه حق تأمین.

۹ ــ دظلم، استثمار، حپس، قتل اوداجباری کار په مقابل کی دماشوم حمایه.

۱۰ ــ دښځوله ملی سازمانونواودښځو له بین‌المللی دموکراتیک فدراسیون سره دلاندنی منظورلپاره روابطو اوهمآهنګی ایجاد.

ـ دامپریالیزم، ملیتاریزم اوفاشیزم پر ضد مبارزه، دتیری کونکو نظامی اردو لغو، داتمی وسلودآزمینواواستعمال منعدعام اوتام خلع سلاح په لارکی مبارزه او اوداقتصادی اواجتماعی متفاوتو سیستومونو لرونکودولتونو دسوله ایز ګډژوند تأمین.

ـ دستمدیده ملتونو دښځو ملاتراوله هغوی سره همدردی چه له خپلو نارینه ووشره وړه په وړه دآزادی اواستقلال، دواقعی دموکراسی اودښځودترقی اوحقوقو اودماشومانودنیک مرغی دتامین لپاره دمبارزی په خاطر.

دافغانستان دښځو دموکراتیک سازمان ټولوافغانی پوهواوزیارایستونکیښځو ته دزره له کومی بلنه وړکوی چه ددیپروګرام دتحقق لپاره سره یوشی اودافغانستان دښځودموکراتیک سازمان اودهیواد دښځودآزادی له نهضت سره یو شی.

متن دری

طرح پروگرام فعالیت‌های سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

کنفرانس تاریخی هشتم مارچ (۱۷ حوت ۱۳۴۷) سازمان دموکراتیک زنان افغانستان اعلان می‌دارد:

ازآنجایی‌که زن در زندگی اجتماعی نقش ارزنده‌ای را ایفا می‌کند؛

ازآنجایی‌که زن در راه سعادت کودکان به‌طور خستگی ناپذیر فعالیت می‌نماید؛

ازآنجایی‌که باید زنان افغانستان دوش بدوش مردان کشور در مبارزه رهائی‌بخش ضد استبداد، ضد ارتجاع و تمام اشکال استعمار فعالانه سهم بگیرند؛

ازآنجایی‌که زنان افغانستان (به حیث هموطنان، مادران و کارگران) آرزومند جدی به رسمیت شناختن حقوق زن، حق مادری، حق کار، حق تحصیل و مساوات در خانواده و تحقق کامل حقوق و آزادی‌های وسیع دموکراتیک در عمل و نظر هستند؛

ازآنجایی‌که زن افغانستان باید در امر تأمین صلح پایدار، استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مجدانه شرکت کند؛

و بالاخره ازآنجایی‌که اعلامیه حقوق بشر و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی یک سلسله حقوق و آزادی‌ها را برای زنان افغان قایل شده است؛ ولی موانع بسیاری در راه عملی شدن آن‌ها وجود دارد، ضرورت آن می‌رود که اتحاد و همبستگی زنان افغانستان، اعم از زنان کارگر و دهقان و روشنفکر، صرف نظر از تفاوتهای نژادی، قومی، قبلوی، مذهبی و نظریات سیاسی تأمین گردد و در راه هدف‌های مشترک و تحقق این پروگرام فعالیت‌های سازمان دموکراتیک زنان افغانستان مبارزه بعمل آید:

۱- تأمین حقوق مساوی زنان در تمام عرصه‌ها اعم از اقتصادی، اجتماعی مدنی، سیاسی و فرهنگی و احترام مقام زن در کار و جامعه.

۲ – تأمین حقوق کار زنان بدون قید و شرط، با دستمزد مساوی با مردان.

۳ – بهبود شرایط کار و بهبود شرایط زندگی زنان دردهات و پرداخت مزد در برابر کار آنان.

۴ – حمایه مادر و کودک، بهبود شرایط زندگی خانواده، ایجاد مؤسسات خدمات اجتماعی برای تمام زنان.

۵ – امحای بی‌سوادی و تأمین حق مساوی تعلیم و تحصیل برای زنان.

۶ – رهایی از قید عادات خرافی، عنعنات ظالمانه و رسوم ضد کرامت انسانی، و تأمین حقوق زن در امر ازدواج، ملکیت و اطفال، و ایجاد شرایط مصئون اجتماعی برای تشکیل خانواده مطابق رضائیت واقعی زن و مرد و مبارزه علیه ازدواج اجباری.

۷ – تأمین حقوق و آزادی‌های وسیع دموکراتیک (حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، آزادی بیان، شرکت در احزاب، اجتماعات، تظاهرات و غیره.

۸ – تأمین حق کودکان و جوانان ازلحاظ تعلیم و تربیت و تعلیمات مجانی به زبان مادری‌شان، بدون تبعیض و صحت و رفاه آنان.

۹- حمایه کودک در برابر ظلم، استثمار، حبس، قتل و کار اجباری.

۱۰ – ایجاد روابط و هماهنگی با سازمان‌های ملی زنان و فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان به‌منظور:

- مبارزه علیه امپریالیزم، ملیتاریزم و فاشیزم، لغو پایگاه‌های نظامی تجاوزکارانه، منع آزمایش‌ها و استعمال سلاح زروی و مبارزه د راه خلع سلاح عام و تام و تأمین همزیستی مسالمت آمیز بین دول دارای سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوت.

- پشتیبانی و همدردی از زنان ملل ستمدیده که دوش بدوش مردان برای آزادی و استقلال مبارزه می‌کنند.

- اشتراک وسیع‌تر زنان در حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه و به خاطر مبارزه برای تأمین صلح پایدار، استقلال ملی، دموکراسی واقعی، ترقی و حقوق زن و سعادت کودک.

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان از تمام زنان آگاه و زحمتکش افغان صمیمانه دعوت می‌نماید که به خاطر تحقق این پروگرام باهم متحد شوند و با سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و نهضت آزادی زنان بپیوندند.

چپ عامود: امدا به آمریکا که پرچم مبارزه د

ببرک کارمل

نگاهی به وضع کنونی جهان

-۲-

شکست فاشیزم آلمان و میلیتاریزم جاپان در دومین جنگ جهانی شرایط مساعد برای یک سلسله از ملل کشورهای اروپا و آسیا به وجود آورد تا بتوانند حکومت‌های سرمایه‌داران و ملاکان را از میان بردارند و راه ساختمان سوسیالیزم را تعقیب کنند و باهم اردوگاه سوسیالیستی را تشکیل دهند. درین کشورها شکل جدیدی از سازمان سیاسی جامعه پدید آمد که عبارت است از دموکراسی خلقی (شکلی از دیکتاتوری زحمتکشان) که خصوصیات مختلف تاریخی و ملی کشورهای مربوطه در آن تجلی نموده است.

قوای متحده اردوگاه سوسیالیستی هر یک از کشورهای عضو را به نسبت این که دارای وحدت منافع و هدف‌های مشترک هستند در قبال تجاوز ارتجاع امپریالیستی تضمین می‌نماید و مناسبات اقتصادی و سیاسی تیپ جدیدی بین آن‌ها برقرار است. همکاری نیروهای مزبور انواع مختلف فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فنی و فرهنگی را احتوا می‌کند و بر پایه برادری و برابری سوسیالیستی و احترام متقابل به استقلال و حاکمیت یکدیگر استوار است. کامیابی‌های بزرگ اتحاد شوروی در تمام شئون زندگی اعم از علمی فنی و اقتصادی و غیره موجب نیرومندی جهان سوسیالیستی و نهضت‌های انقلابی گردید و امکانات همکاری اقتصادی، تجاری و فرهنگی بیشتری را میان کشورهای سوسیالیستی و میان این کشورها و سایر کشورها به وجود آورده است.

علی رغم ایجاد یک سلسله مشکلات ناشی از شیوه‌های نادرست دار و دسته مربوط به استبدادگران فتنه گر در جنبش‌های انقلابی، جهان سوسیالیزم قدرت مادی و معنوی روزافزون کسب می‌کند و پیوند کامل و تمامیت اقتصادی (انتیگراسیون اقتصادی) آن‌ها رشد و تکامل می‌یابد.

* * *

باوجود تغیر در تناسب قوای جهانی که به ضرر ارتجاع صورت امپریالیستی صورت گرفته بازهم نباید ازنظر دور داشت که امپریالیزم می‌کوشد اهداف خود را با ایجاد جنگ‌های منطقوی و ایجاد تفرقه میان کشورهای مترقی و نیروهای پیشرو انقلابی برآورده سازد. به همین جهت است که سیاست فتنه‌انگیزانه و اشغالگرانه گروه مربوط به ماجراجویان اخلال گر در جنبش انقلابی به هدف‌های ارتجاع و امپریالیزم وفق می‌کند و به همین جهت است که آثار اشغال گرایانه و پر از اتهام و دشنام این گروه منحرف علیه پیش آهنگ و پاسداران صلح حتی به کمک محافل ارتجاع و امپریالیستی پخش و تکثیر می‌گردد.

در اوضاع و احوال کنونی جهان ارتجاع امپریالیستی نسبت به هر وقت دیگر تلاش می‌ورزد که تمام وسایل تأثیر ایدیولوژیک در خلق‌ها را علیه کشورهای پیشرو و مترقی و ملی علیه نهضت کارگری و رهائی‌بخش ملی بسیج کند. در امریکا و آلمان غرب و سایر کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای وابسته به امپریالیزم با صرف ملیاردها دالر صدها سازمان ایدیولوژیک و سیاسی ارتجاعی را در زیر شعارهای دروغین ضد کمونیزم تأسیس گردیده تا هر آنچه را که واقعاً دموکراتیک و ملی مترقی و انقلابی است تعقیب نمایند و در صفوف مبارزان پیشرو و زحمتکشان تفرقه ایجاد کنند. موجز اینکه ارتجاع و امپریالیزم کوشش تا از تمام فنی مدرن تبلیغی برای تحقق هدف‌های ضد ترقی و ضد پیشرفت اجتماعی ملل جهان وسیعاً استفاده نمایند و نفاق و انشعاب را در میان انقلابیون خلق کنند. وجود صدها موسسه، پرورش هزاران کادر ایدیولوژیک، نشر و پخش هزارها کتاب، رساله، جریده؛ روزنامه و مجله و تبلیغات زهرآگین برای پیشبرد مقاصد پلید فوق‌الذکر مؤید نظر ماست.

* * *

جهان معاصر وارد مرحله نوینی از نهضت رهائی‌بخش ملی گردیده است. در وضع کنونی جهان در آسیا و افریقا سه گروه اصلی کشورهای نو استقلال به مشاهده می‌رسد (!) در کشورهای که به‌صورت کلی در جنوب و جنوب شرقی آسیا و شرق میانه و قسمت غربی شمال افریقا قرار دارند، بورژوازی ملی من‌حیث طبقه عمده در اتحاد با نیمه فئودال‌ها و ملاکین بورژوا قسماً موضع گیری ضد استعماری دارند و جهت سرمایه‌داری گرفته‌اند. (۲) تعداد زیادی از کشورهای افریقایی اند که غالباً تاکنون استقلال دولتی آن‌ها بیشتر جنبه سوری دارد. (۳) گروه کشورهایی هستند که راه رشد غیر سرمایه‌داری روان‌اند. درین کشورها دموکرات‌های ملی و انقلابی قدرت را در دست دارند و مبارزه ضد امپریالیستی را تعقیب می‌نمایند.

(ص ۲)

با اعلانات و اشتهارات

فریبنده کشور ما را غارت می‌کنند

درین اواخر با تقلید از کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و کشورهای کم رشدی که راه رشد سرمایه‌داری را در پیش گرفته‌اند، در افغانستان نیز اشتهارات و اعلانات رنگین، پرزرق و برق و فریبنده به‌طور روزافزونی راه خود را در مطبوعات، نشرات، رادیو و سینماهای کشور باز می‌نماید.

ازآنجایی‌که تولید داخلی محدود بوده و در سطح نازلی قرار دارد، بنا بر آن قسمت اعظم اشتهارات در کشور ما برای فروش و یا بهتر بگویم تحمیل اموال خارجی و بخصوص اجناس تجملی استهلاکی بی لزوم، صورت می‌گیرد که از یک سو موجب تضعیف و مانع رشد تولید داخلی می‌گردد و از سوی دیگر باعث ایجاد به‌اصطلاح »اشتهای کاذب «می‌شود؛ یعنی اشتیاق مردم را برای خریداری یک مقدار اموال و اجناس تجملی و بی لزوم بیشتر می‌سازد.

مقامات حاکمه افغانستان که خود مشوق بزرگ تجمل پرستی عده‌ای از ناز پرورده‌های سرباری جامعه به قیمت فقر و بدبختی هزاران هزار خانواده جامعه ما می‌باشند. با تعقیب سیاست تجارتی درهای باز خود زمینه را برای غارتگری انحصارات امپریالیستی و کشورهای ازلحاظ اقتصادی وابسته آماده می‌سازد.

در کشورهای سرمایه‌داری اشتهاران اکنون تمام پهلوهای زندگی را دربر می‌گیرد. تمام مطبوعات و دستگاه‌های نشراتی درین کشوها در خدمت انحصارات بزرگ قرار دارد و به‌وسیله اشتهار تبلیغ برای تولیدات آن‌ها تبدیل گردیده است. اکثر مجلات، روزنامه‌ها، دستگاه‌های فرستنده رادیو و تلویزیون و سینماها و غیره در کشورهای امپریالیستی که خود انحصارهای عظیم نشرات و پروگرام‌های خود را برای اشتهار و تبلیغ تخصیص می‌دهند و از این ناحیه درآمدهای بزرگی به دست می‌آورند. اکنون در کشور ما نیز مؤسسات بزرگ تولیدی این کشورها با استفاده از سیاست «بی‌غرضانه» و «آزاد» حکومت در امور اقتصادی با همکاری تاجران بزرگ کمپرادور

(ص ۲)

د نیشنل عوامی ګوند

د صدرعبداولی خان دریځ

اصولی، وښار او زړه وردی

سره له دی چه په راولپندی کی د ګردی میز مجوزه کنفرانس د پاکستان د جمهور ریس محمد ایوب خان او د فردی حکومت د مخالفانو ترمینځ شروع شویدی مګر اوضاع په ټول پاکستان کی لکه پخوا متشنجه ده او اعتصابونو او تظاهراتو نهضت ورځ تراورځی پراخی او قدم په قدم نویو بریو ته رسیږی. د رادیو لندن له خبر سره سم په لاهور کی پاکستان محصلانو د امریکی د اطلاعتو اداری اوی وه موتر ته اور واچاوه.

د پاکستان حکومت مجبور شو چه د ښونکو له غوښتنو سره موافقه وکړی. د کراچی د بندر د کارګرانو اعتصاب لا دوام لری. د پښتونستان، سند، اوبلوچستان د خلکو مظاهری د غربی پاکستان د یویونت پر ضد خپل شدت

(۴ مخ)

هنر رهبری سیاسی:

سیاست علم است زیرا تحلیل علمی واقعیت و آرایش نیروهای طبقاتی در وضع مشخص اتکا دارد. معهذا نه تنها اتخاذ پالیسی درستی دارای اهمیت شایان می‌باشد، بلکه تطبیق موفقانه آن نیز مهم است. برای انجام این امر مهارت کامل در رهبری سیاسی ضرورت است، چه بدون چنین مهارتی، حتی صحیح‌ترین پالیسی به‌مثابه یک اعلامیه میان خالی باقی خواهند ماند. به این دلیل سیاست هنر هم است.

هنر اجرای پالیسی، پوسته در جریان مبارزه طبقاتی آموخته می‌شود، زیرا بدون گذشتن از این مکتب عمل مبارزه با تضادها و مشکلات آن، بدون احساس تلخی‌های عقب نشینی و شکست و شیرینی، کامیابی و پیروزی ناممکن است که هنر رهبری استراتیژیک و تاکتیکی را آموخت. اما این امر به هیچ وجهه به معنی اتکا محض بر تجارب خود نمی‌باشد.

برای آموختن هنر رهبری سیاسی لازم است که تجارب احزاب دیگر و کلیه جنبش جهانی مترقی و کارگری را مطالعه صحیحاً صورت گیرد و به‌درستی به کار برده شود. پروسه آموزش هنر رهبری تسریع گردیده و از یک تعداد اشتباهات، نواقص و ناکامی‌ها جلوگیری می‌شود.

هنر سیاسی شامل توانائی کار در میان توده‌ها، انتخاب اشکال مبارزه و زمان بکار بردن آن‌ها در اوضاع مشخص، پیشروی در شرایط مساعد و عقب نشینی صحیح و تاکتیکی در هنگام ضرورت، انتخاب وظیفه عمده از میان وظایف فراوان و تمرکز توجه حزبی در خصوص آن و غیره می‌باشد.

مطلب را بسط دهیم: فقط احزاب و رهبرانی که زندگی خود را وفق منافع خلق کارگر ساخته، و به آن پیوستگی کامل داشته باشد، می‌توانند امر بزرگ مبارزه انقلابی را به‌طور موفقانه انجام دهند، تبلیغ و تهییج به تنهائی به غرض جلب توده‌ها در امر مبارزه کافی نیست، معهذا هنر رهبری سیاسی شامل بکار بستن وسایل و میتودهایی است که از تجربه کار در میان توده‌ها به دست می‌آید. حزب به‌طور غیرفعال انتظار نمی‌کشد که توده‌ها به خودی خود واقعیت را درک نمایند، بلکه درین امر با آن‌ها کمک می‌شود تا در موضع مبارزه قاطع قرار گیرند.

رهبری سیاسی باید قادر باشد که اشکال مناسب مبارزه را برای یک وضع معین به‌درستی انتخاب کرده برای تغیر سریع و غیرمترقبه یک شکل آن به شکل دیگر آماده باشد. اگر یک حزب قادر به انتخاب صحیح اشکال مبارزه بوده و مشی سیاسی درستی را بر حسب شرایط موجود اتخاذ کند در تحت شرایط دشوار و بغرنج موفق خواهد شد که پیروزمندانه عمل نماید و به نتایج مشخص برسد.

یک حزب طراز نوین هرگز زمان را بیهوده از دست نمی‌دهد و انتظار نمی‌کشد که لحظه بزرگ فرارسد. بلکه از هر فرصت برای احیا و تقویت شور و شوق مبارزه انقلابی خلق کارگر و تضعیف مقاومت دشمنان آن استفاده می‌کند. امکانات کار فعالانه را در میان توده‌ها جستجو می‌نماید، موضع را استحکام می‌بخشد. زمان نبرد قاطع را نزدیکتر می‌سازد و نه تنها خود بلکه بخش وسیعی ممکنه خلق کارگر را برای چنین فرصت‌ها تجهیز می‌کند.

هنر عالی رهبری سیاسی در اینست که حتی در جریان شکست‌های موقتی مبارزه انقلابی جهات و اشکال مبارزه را می‌توان دریافت کرد که این امر اساسی برای پیروزی‌های آینده و نزدیک ساختن این پیروزی‌ها شمرده می‌شود معهذا باید دانست، تا وقتی که هر دو شکل پیشروی و عقب نشینی صحیح در مبارزه آموخته نشود، پیروزی ناممکن است.

رهبری سیاسی عالمانه و هنرمندانه ایجاب می‌نماید مسایل عمده که برای حل آن‌ها لازم است مجاهدات خاصی صورت گیرد، باید از مسایل عمومی مبارزه تشخیص و مجزا شود. مسایل اساسی دارای ارتباط متقابله بوده و همیشه درهم پیچیده‌اند که می‌توان آن‌ها را به زنجیر مقایسه کرد. با این فرق که توالی حلقات، اشکال و پیوندهای آن‌ها به‌سادگی یک زنجیری است که توسط آهنگری ساخته می‌شود. علاوه تا در یک زنجیر عادی تمام حلقه‌ها یکسان می‌باشد، در حالی که در حیات سیاسی مسایل اساسی و مسایل درجه دوم وجود دارد. رهبری سیاسی هنرمندانه ایجاب می‌نماید در هر لحظه معین باید قادر بود که حلقه خاص زنجیر را به دست آورد، با تمام قدرت به آن چنگ زد و محکم نگهداشت و برای انتقال به ناحیه دیگر کاملاً آماده بود،

از (ص اول)

نگاهی به وضع کنونی ...

کشورهایی از قبیل جمهوری متحد عرب، سوریه، الجزایر، برما، مالی، گینی، کانگو و برازیل در این گروه شامل‌اند.

باید خاطرنشان ساخت که اکثر کشورهای شامل گروه‌های مزبور کماکان با اقتصاد جهان سرمایه‌داری پیوند نزدیک دارند و هنوز مشکلات فراوانی در سر راه این کشورها به غرض تأمین استقلال اقتصادی، اتحاد اقتصاد ملی و ساختمان جامعه نوین موجود است.

تجربه نشان می‌دهد که سرمایه‌داری نمی‌تواند ترقی و پیشرفت سریع اقتصادیات هفتاد فیصد جمعیت جهان را که در قسمت اعظم کشورهای در حال رشد و نو استقلال زندگی می‌کنند تأمین کند، فقر را از میان بردارد و به عقب ماندگی قرون متمادی این کشورها خاتمه دهد. عواید ملی این کشورها به تناسب عواید ملی کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری بسیار بسیار قلیل است. به همین جهت در کشورهای کم رشد آسیا، افریقا و امریکای لاتین سهم منابع خارجی نسبت به سرمایه‌گذاری‌ها هر ساله بالا می‌رود و وابستگی مالی بین‌المللی افزایش می‌یابد. برای این که کشورهای در حال رشد و نو استقلال از راه سرمایه‌داری به سطح موجود عواید فی نفر، حاصلدهی کار، علم و فن کشورهای سرمایه غرب برسد حداقل ۸۰ الی ۱۰۰ سال لازم است که طبعاً این آهنگ رشد، کشورهای مزبور را به محرومیت‌های بزرگ و جدیدی محکوم می‌سازد.

به‌طور مثال ذکر می‌گردد که میزان مطلق عواید فی نفر در کشورهای رشد یافته به‌طور متوسط ۶۰ دالر در سال افزایش می‌یابد، ولی در کشورهای عقب مانده حتی به ۲ دالر هم نمی‌رسد.

موجز اینکه تا موقعی که این کشورها از قید وابستگی اقتصادی به امپریالیزم آزاد نشوند، همچنان آماجگاه استثمار غول‌های انحصارات سرمایه‌داری باقی خواهند ماند.

انحصارهای امپریالیستی با در دست داشتن موضع کلیدی اقتصادی و با توسل به شیوه‌های استعمار نو یا استثمار استعماری ملل ادامه می‌دهند.

امپریالیزم با استفاده از تمام وسایل (راه انداختن کودتاها زیر عنوان کاذب دفاع از جهان آزاد و مبارزه با کمونیزم، بلوک‌های نظامی توطئه‌ها، فعالیت‌های تخریبی تحریک جنگ‌های محلی استعماری و غیره) می‌کوشد کشورهای آزاد شده را تحت سلطه خویش همچنان حفظ کند و استقلال این کشورها را به استقلال ظاهری تبدیل نماید.

هدف استراتیژی صدور سرمایه کشورهای امپریالیستی به کشورهای کم رشد آسیا، افریقا و امریکای لاتین زیر عنوان کمک‌های اقتصادی و نظامی در حقیقت غارت این کشورها و حفظ این کشورها در قلمرو نظام جهانی سرمایه‌داری و جلوگیری از تعقیب راه رشد غیر سرمایه‌داری است.

باوجود اختلافی که در کشورهای کم رشد بین نیروهای ترقی خواه و وطن‌پرست و دموکرات‌های ملی موجود است از لحاظ تاریخی در مقابل آن‌ها امپریالیزم به حیث دشمن مشترک مهم و سرمایه‌داری از نظر دورنمای تکامل آینده به‌مثابه دشمن مشترک مهم‌تری قرار دارد.

در کنفرانس سازمان ملل متحد در باره تجارت و پیشرفت به‌صورت کلی، چه در کنفرانس ژنو ۱۹۶۴۵ مسأله استثمار در کنفرانس دهلی ۱۹۶۸ مسأله استثمار کشورهای کم رشد از طرف دول امپریالیستی برسی گردید ونشان داده شد که تا زمانی که قوانین جبری بازار جهانی سرمایه‌داری به قوت خود باقیست، این استثمار تشدید خواهد گردید.

تقلیل رشد آهنگ اقتصادی، تنزیل و عقب ماندگی صادرات، کاهش نسبی صادرات خوار و بار و مواد خام، دشواری وضع مسأله افزایش سرسام آور قرضه‌های خارجی و دشواری پرداخت فرع قرض‌ها، رکود در تولید محصولات غذائی به‌تناسب افزایش سریع جمعیت و غیره و غیره همه مسایلی اند که روز به‌روز کشورهای کم رشد «جهان سوم» را به جهت عقب ماندگی فقر و استثمار کشنده می‌کشاند و شکاف بین این کشورها و کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری را عمیق و عمیق‌تر می‌سازد. کشورهای امپریالیستی امریکا، انگلستان و آلمان غربی باوجود این وضع اضطراب آور واصف انگیز کشورهای کم رشد نه تنها هیچ یک از وعده‌های که در سند کنفرانس ژنو داده بودند انجام ندادند، بلکه حتی سعی کردند که کنفرانس دهلی نیز با نتیجه‌یی نرسد.

در کنفرانس دهلی تفاوت میان موضع گیری جهان سوسیالیستی وجهان امپریالیستی به‌خوبی روشن گردید. کشورهای سوسیالیستی در پهلوی انتقادات و طرح پیشنهادهای عملی، از تمایلات و مبارزه کشورهای کم رشد علیه استثمار انحصارات امپریالیستی مجدانه پشتیبانی کردند که در قطعنامه ۲۶ مارچ کنفرانس دهلی نیز انعکاس یافته است.

یادآوری از کنفرانس دهلی صرف به حیث یک مثال در ساحه تجارت و پیشرفت بود و صدها مثال اسارت آور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مالی، ایدیولوژیک دیگری ناشی از روش غارتگرانه امپریالیزم علیه کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین وجود دارد که از حوصله این گزارش مختصر خارج است.

در وضع کنونی جهان، آن گروه از کشورهای نو استقلال و در حال رشد که زنجیر امپریالیزم را پاره کرده‌اند و دولت‌های ملی و مترقی را تشکیل داده‌اند همیشه در خطر تعرض، تجاوز، تفتین و دسیسه نیروهای امپریالیستی و بخصوص امپریالیزم امریکا قرار دارند. تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی زنده‌ترین مثال تحریکات امپریالیستی در شرق میانه است.

در این اواخر اوضاع خیلی وخیم شرق میانه صلح جهانی را مورد تحدید قرار داده است. اشغال وسیع اراضی عرب‌ها از طرف اسرائیل، مسئله صدها هزار عرب آواره مسدود شدن کانال سویز و وارد شدن خسارات عظیم در کشتی رانی بین‌المللی همه و همه نه تنها اوضاع را در شرق میانه بلکه به‌صورت عموم در عرصه بین‌المللی مختل ساخته است. اسرائیل هرروز به پشتیبانی محافل معین امپریالیستی امریکا، آلمان غرب و انگلستان تمام مقررات بین‌المللی را نقض می‌کند، به افکار عامه جهان اعتنائی ندارند و از تعمیل فیصله نامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت که کلید حل صلح آمیز مسأله شرق میانه است سرکشی می‌نماید. شرق میانه ازلحاظ ذخایر منابع نفتی و موقعیت سوق‌الجیشی برای امپریالیزم امریکا مقام حیاتی را حایز است و طبعاً وجود دولت‌های ملی و مترقی در شرق میانه بزرگترین مانع برای تحقق نقشه‌های سلطه استعماری و استثماری آن به شمار می‌رود که بنا بر اراده (!) امپریالیزم باید به هر قیمتی می‌شود این دولت‌ها از میان برداشته شوند و به دولت‌های دست نشانده‌شان تعویض گردند. ولی محافل امپریالیستی امریکا و دستیاران شان همه در اشتباه عظیم‌اند، و امپریالیزم و اشغالگران اسرائیلی آن به‌صورت قطع در عرصه این نبرد مثل دیگر عرصه‌ها محکوم به شکست‌اند؛ زیرا خلق‌های عرب بیدار شده‌اند و سرسختانه مقاومت می‌کنند و از کمک‌های مادی و معنوی کشورهای صلح دوست و تمام بشریت مترقی برخوردارند.

خلاصه، درنتیجه اینکه:

وضع کنونی جهان در سال‌های اخیر مبین این حقیقت است که:

- هار شدن امپریالیزم و برخی ناکامی‌ها و شکست‌های موقتی نیروهای انقلابی به هیچ صورت مظهر افزایش قدرت امپریالیزم در عرصه جهانی به شمار نمی‌رود، بلکه مظهر مشکلات و بحرانی است که امپریالیزم به آن مواجه است. امپریالیزم امریکا به‌مثابه تکیه گاه عمده ارتجاع و بزرگترین استثمار گر بین‌المللی قدم به قدم قدرت رهبری جهان سرمایه‌داری را از دست می‌دهد و در داخل با نارضایتی مردم صلح دوست امریکا، عصیان سیاحان و عواقب وخیم ناشی از جنگ و تجاوز کارانه در ویتنام قهرمان سخت درگیر افتاده است.

- نیروهای ترقی خواه کشورهای کم رشد هر روز درک می‌کنند که به خاطر نجات خلق کشور خویش باید مبارزه رهائی‌بخش ملی را در عرصه اجتماعی انتقال دهند. بسیاری از نیروهای دموکرات ملی انقلابی این کشورها شروع به فهم این نکته می‌نمایند که در راه نجات کشورهای شان به هنگام انتخابات راه سوسیالیستی، از گنجینه سوسیالیزم علمی و تجارب تاریخی آن استفاده کنند.

بحران امپریالیزم در شرایطی صورت می‌گیرد که سوسیالیزم جهانی، جنبش‌های مترقی و کارگری در اروپا (فرانسه و ایتالیا) و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین هر روز به پیروزی‌های جدیدی نایل می‌آیند و هر سه جریان عظیم به حیث اجزای عمده جریان انقلابی جهان به سیل خروشانی علیه ارتجاع و امپریالیزم تبدیل می‌گردد و به خاطر صلح، آزادی، استقلال، دموکراسی، ترقی و سوسیالیزم به‌پیش می‌روند و مشترکاً نیروی شکست ناپذیر را تشکیل می‌دهند و در آخرین تحلیل ارتجاع و امپریالیزم را به گور می‌سپارند و جهان رشد و تکامل می‌یابد.

-۳-

سیاست مترقی به‌مثابه علم و هنر

استراتژی و تاکتیک‌های سیاسی

فراوان دارند ولی این اتحاد به خودی خود صورت نمی‌گیرد، بلکه توسط احزاب کارگری و مترقی در جریان مبارزه علیه سرمایه‌داری ایجاد می‌گردد.

اتحاد طبقه کارگر با دهقانان و توده‌های غیر پرولتری، نیروی اجتماعی و سیاسی انقلاب را تشکیل می‌دهند و بدین جهت تأمین و تحکیم این اتحاد یکی از اهداف عمده ئ احزاب طراز نوین طبقه کارگر می‌باشد. البته برای انجام این امر لازم است در میان توده‌ها و با توده‌ها کار کرد.

پرنسیپ‌های عمده رهبری توده‌ها عبارت از اصول فورمولبندی شده زیرین می‌باشد:

ارتباط با توده‌ها
زندگی در میان توده‌ها
آشنایی به روحیه آن‌ها
درک توده‌ها
دانستن طرق نزدیکی به آن‌ها
به دست آوردن اعتماد مطمئن توده‌ها

رهبران نباید خود را از توده‌ها که آن‌ها را رهبری می‌کنند تجرید نمایند. پیش‌آهنگ نباید خود را از اردوی کار تجرید کند.

(پایان این قسمت)

از (ص اول)

با اعلانات و اشهارات ...

طوری شتاب زده و سریع در کار اشتعال بازارهای کشور و تحمیق مردم مشغول‌اند که نظیر آن را در جاه‌های کمتر می‌توان دید. این‌ها با این پندار احمقانه که عقل مردم در چشم و گوش شان است و تلفیق پذیراند، برای اجناس بد کیفیت خود تبلیغات وسیعی را به راه انداخته و آن‌ها را با صدها خصوصیت و ممیزه دروغین معرفی می‌کنند که گویا واقعاً اجناس معرفی شده دارای بهترین صفات و به منفعت مردم می‌باشد.

درین شک نیست که تلقینات گوناگون از طریق اشتهارات رنگارنگ و فریبنده بر اذهان مردم تأثیر دارد و به همین جهت انحصارات بزرگ مبالغ بزرگی را برای این منظور تخصیص می‌دهند و طوری وسیعا دست به اشتهار میزنند که مردم بدون اراده قبلی بی اختیار به خرید اقدام نمایند.

اینکه از طریق سرمایه‌داران و حامیان آن‌ها ادعا می‌گردد که اشتهارات جهت تنویر اذهان مردم رهنمایی ایشان و نشان دادن امتیازات اجناس کمک می‌کند، خود دروغ بزرگی بیش نیست؛ اما اعلانات تا حدودی می‌تواند مجاز و بالنسبه مفید باشد که شکل عوام‌فریبانه نداشته و صرف مشخصات تخنیکی اجناس و بخصوص تولیدات داخلی را معرفی نماید.

آواز یکنواخت و گوش خراش اعلانات و اشتهارات رادیو افغانستان در مورد اموال کشوهای بیگانه بخصوص اموال انگلیسی و جاپانی، آلمانی، ایرانی و پاکستانی که صبح چاشت و شب پخش می‌گردد. اکنون شکل زجر دهنده و تهوع آوری را به خود گرفته است. آیا شرم آور نیست که دستگاه حاکمه افغانستان با تمام ادعاهای که در نظر برای تقویه صنایع داخلی ابراز می‌دارد، خود چنین وسیله تبلیغ برای فروش اموال کشورهای امپریالیستی و کشورهای کم رشد وابسته به آن گردد.

یک مقدار پولی که در برابر تبلیغات و اشتهارات از طریق نمایندگی‌های کمپانی‌های انحصارات تولیدی پرداخته می‌شود، نباید کشنده هر نوع اجناس مسؤولیت در برابر مردم فریب ایشان گردد. باید دانست، مصرفی که برای تبلیغ و اشتهار اموال کشوهای سرمایه‌داری و وابسته صورت می‌گیرد درواقع آن را مردم-مصرف کنندگان می‌پردازند نه مرجع تبلیغ کننده، زیرا این مصارف بالا قیمت فروش اضافه می‌گردد. علاوتاً اجناسی که از کشورهای سرمایه‌داری و وابسته وارد و در کشور ما بفروش می‌رسد مصارف اشتهارات در کشور تولید کننده و کشورهای دیگر نیز شامل قیمت آن است که قسمتی از این مصارف به‌طور مستقیم و ناآگاهانه از طرف مردم ما پرداخته می‌شود، چه اکنون انحصارات بزرگ امپریالیستی به غرض خارج ساختان رقبای کوچکتر از میدان رقابت و بلعیدن آن‌ها تشویق مردم برای خریداری و تعمیق آن‌ها پول‌های گزافی را در امور تبلیغات و اشتهارات به مصرف می‌رسانند که در بعضی مصارف مجموع تولید را احتوا می‌نماید.

با این وضع، می‌توان گفت! تبلیغات و اشتهاراتی که اکنون برای فروش اموال کشورهای سرمایه‌داری در افغانستان صورت می‌گیرد، به هیچ وجهه به نفع مردم ما نیست و باید که این عرصه فعالیت محدود گردد.

(س.ک)

دردها، شکایتها و اعتراضات خلق

کارگران پیله‌وری را از کار اخراج می‌کنند

عده‌یی از کارگران پیله‌وری وزارت زراعت و آبیاری ضمن اعتراض نامه‌یی نوشته‌اند: پروژه‌یی پیله‌وری که حال رنج و زحمتکشی ما کارگران است و آن را در شرایط دشوار گرسنگی و برهنگی، مزد کم، قبول فشارهای ظالمانه کارفرمایان و تحمیل درشتی و محرومیت‌ها تکمیل کرده‌ایم، اکنون ما را یکی بعد دیگری میرانند. با این معنی که اکنون یعنی هنگامی‌که کار ساختمان پروژه به اکمال رسیده است، کارفرمایان ما را دسته دسته از کار اخراج می‌کنند و به‌سوی لشکر بیکاران میرانند. آنان هرگز احساس مسؤولیت نمی‌کنند که سرنوشت ما و فرزندان ما چه خواهد شد؟ آینده سیاه، ما را یکجا خواهند کشید؟ و بالاخره انجام این عدالت (!) طبقه حاکمه ستمگر چه خواهد بود؟ ما دست به مبارزه خواهیم زد و نومیدی را که بر ما می‌خواهند تحمیل کنند بر آنان تحمیل خواهد شد.

مردم گلدره کوه دامن از عدم

موجودیت وسایل معارف و حمل و نقل شکایت دارند

روشن است که محافل حاکمه افغانستان به غرض فریب و اغوای مردم دست به تبلیغات دامنه داری می‌زنند، ولی در عمل همان‌طوری که به همه هموطنان معلوم است، اقدامی که نشان دهنده صدق آنان باشد، ملاحظه نشده است. قانون اساسی کشور حکومت‌ها را موظف می‌سازد که معارف متوازن را برای مردم افغانستان تأمین نماید، اما متأسفانه مانند گذشته و بدتر از امور گذشته است.

گلدره که متشکل است از ده نو، ده بالا، قلعه هزاره‌ها، جلوانی و باغ‌های گلدره با تراکم عظیم نفوس، صرف یک مکتب ابتدائیه دارد که آن‌هم فاقد وسایل و لوازم ضروری می‌باشد. شاگردان این مکتب روی خاک‌ها درس می‌گیرند و با وصف مشکلات و شرایط بد اقتصادی، بعد از طی راه‌های طولانی به مکتب می‌رسند.

هنگام بهار عده کثیری از این شاگردان مجبوراند از رودی که طغیان کرده است، بگذرند و حیات خود را در خطر اندازند.

مأمورین و زحمتکشان گلدره که در کابل محل بود و باش ندارند مجبوراند از محل کار به محل بود و باش خود برگردند آنان مجبوراند هرروز ساعت پنج صبح از خانه بیرون شوند و در بس‌های محلی که به‌اصطلاح جنازه روان است جای پیدا کنند تا ایشان را به شهر برسانند. سرک گلدره نیز خطر دیگری است که جان این زحمتکشان را تهدید می‌نماید.

مردم گلدره میگویند: این چگونه معارف متوازن است که جگرگوشه‌های طبقات حاکمه ستمگر حتی از تعلیم در تمام پوهنتون‌های جهان برخوردارند درحالی‌که فرزندان ما از تحصیلات ابتدائی به‌صورت درست بهره ندارند.

مردم گلدره فریاد می‌شکند: «درحالی‌که ستمگران مختلسین از مدرک پروژه‌های دولتی قصرها بنا نمودند، زمین‌ها خریدند و در بانک‌ها پول اندوختند. چرا برای زحمتکشان یک آن‌هم از محصول عرق خودشان یک سرک را ترمیم نمی‌کنند. مردم در موارد فوق به وزارت معارف، وزارت صحیه و ترافیک جدا اعتراض می‌کند.»

(اسمعیل. م.م از گلدره)

به مشکلات مردم ولسوالی

حضرت امام تو جه نمی‌شود

دو سال قبل وزارت زراعت و آبیاری در اثر شکایات ممتد اهالی ولسوالی حضرت امام سرانجام حاضر گردید که اعمار یک سربند کانکریتی برای نهر بزرگ شاروان تجهیز نماید؛ اما چگونه؟ مصرف آن بیست و یک ملیون افغانی برآورد و عمدتاً بالای دهقانان کم بضاعت و تهی‌دست ولسوالی حواله گردید. با وصف آن از زمانی که برای تکمیل این سربند تعین شده بود، مدت‌ها گذشت ولی آب در مجاری تشنه لب و زمین‌های عطشان که درین مدت همچنان بایر باقی مانده است، جاری نگشت. مردم همچنان منتظرند وعده از مأموران آن وزارت در صدد اندوختن ثروت‌های بیشتر هستند.

به ادامه ظلم و فشارهای قبلی اخیراً حکومت محلی به جلب و احضار مردم بیچاره ولسوالی امام صاحب اقدام نموده، تا ایشان رسماً »التزام خط «بدهند که بعد ازین برنج بکارند. به این دلیل که کشت زارهای برنج باعث پیدایش ملاریا می‌گردد. جای تعجب است اگر در یکی از مناطق حاره و معتدله که برای زرع برنج مساعد است، نسبت امحای ملاریا، نکشتن برنج را بهانه قرار داده باشند.

موضوع دیگری که باعث ناآرامی اهالی این منطقه می‌گردد، پرابلم طغیان دریای آمو است. در بهار امسال در اثر طغیان دریای خروشان آمو چندین هزارجریب زمین عده زیادی از دهقانان کم زمین از بین رفت، خانه‌ها ویران گردید و در به دری مردم بیشتر از پیش شد. با وصف شکایات و مراجعات متعدد مردم برای جلوگیری از خسارات در اثر آب خیزی دریا، بازدید هیأت اعزامی سرمیاشت و هدایت شاغلی اعتمادی صدراعظم حین بازدید ازین منطقه، تا اکنون در زمینه هیچگونه اقدام عملی جهت رفع این مشکل به عمل نیامده است. درحالی‌که بنا بر برف باری‌های پیهم و زیاد و کم است در بهار آینده آب خیزی جند مرتبه بیشتر از سال گذشته باشد و یکی دیگر از هزاران مشکل اهالی حضرت امام مانند نقاط دیگر کشور مسأله معارف وعدم موجودیت حتی یک لیسه درین ولسوالی هشتاد هزارنفری می‌باشد.

باوجوداینکه مردم برای ساختمان عمارت لیسه پول جمع نموده و یک مقدار خشت پخته و مصالح دیگر آن را تکمیل کرده‌اند، ولی تا اکنون اقدامی درین مورد نیز صورت نگرفته است؛ که با این عمل خود مقامات حکومتی، مردم را از همکاری‌های بعدی دلسرد ساخته است.

دردها، بدبختی‌ها، شکایات و نارضایتی‌های مردم از وضع موجود زیاداست. در بالا صرف از چند مشکل محلی یادآوری گردید و به جریده پرچم که واقعاً ناشر آرمان‌ها و خواست‌های خلق افغانستان است فرستاده شد تا اگر لازم به ببیند به نشر آن خواهند پرداخت.

«ع.کاروال»

نسوار فروشان بر مصئونیت و آبروی مردم تعرض می‌کنند

شاغلی عبدالحکیم طغرل از ولسوالی سرپل ضمن نامه رقت انگیز که حاکی از دردهای بیکران مردم است می‌نویسد:

«در اینجا یعنی در شهر و دهات ولسوالی سرپل، نه تنها مأموران و اربابان و گماشته گان آنان بلای جان مرمند، بلکه مشتی از منفعت جویان، اجاره داران و تیکه داران نیز به‌نوبه خود، در زیر چتر حمایت سیاه بیداد و ستمگری دستگاه حاکم، بر جان مردم افتاده‌اند و چون زالویی خون آنان را می‌مکند و با استفاده از شیوه‌های منفور (فشار و استبداد) مصئونیت و شرافت مردم را پامال می‌کنند. ازجمله این طفیلیان اجاره داران نسواراند، کهگاهی با قیافه‌های عبوس و خشمگین چون بلای آسمانی بر دهکده‌های دوردست فرو می‌ریزند و موجب اذیت و آزار اهالی می‌گردند و حتی در خود شهر نیز کسانی را مورد سوء ظن (!) شان قرار می‌گیرند به اتهام (!) اینکه چرا نسوار خانگی می‌کشند تحت فشار قرار داده در بین جاده‌های شهر بی‌شرمانه این‌طرف و آن‌طرف می‌کشانند و آنان را تهدید می‌نمایند که در صورت عدم پرداخت جریمه (!) به مقام عدل (!) سپرده خواهند شد و در نتیجه آن‌ها را مجبور می‌سازند تا زهر و ماری را در کام این حریفان بیفگنند و خود را از شرشان نجات بخشند.

چندی قبل عده‌یی از این اجاره داران که حق دارند آزادانه تمام روستاها را مورد تفتیش قرار دهند، به قریه (قغلتون) این ولسوالی رفته به کمک چند پولیس اهالی این دهکده را به اتهام اینکه نسوار خانگی می‌سازند و

(ص ۴)

یوه شیبه له شاعرانو سره

زمور د گران وطن افغانستان شاعران مور ته پرله پسی خپل شعرونه رالیږی، هغوی دخپلو شعرونه خپریدلاوکله کله پر هغوی باندی انتقادی نظر اومشوره هم غواړی. مور دخپلو مشکلاتو له کبله په روان کال کی ونشوای کولی چه ددی زلمیو اووطپالوشاعرانو حق اداکړو. خواوس ددی وخت راغلی دی چه مور ددی دوستو شاعرانو دفکراوشعر خینی مرغلی اوځلاند مزی دخپل پرچم په پرموختونو کی وشیو اوداموقع بابره کړو چه دهیواد زلمی لیکوال زمور په جریده کی دیو بل سره آشناشی. هیله لروچه زلمی شاعران اولیکوال په ددی برخیدوام لپاره تل مور ته خپل گران اوقیتی آثار راواستوی.

ازوکالت بازی وشورا حب مشکل نشد
نشه دیرینه غارتگران باطل نشد
مردم آواره ماصاحب منزل نشد

پنځوس زره ټنه چغندر

په بغلان اوغوری کی ورستیدو ته نږدی شویدی

په بغلان کی نږدی دپنځ زروبزګرانو ژوند ډیر افوسوزناک حالت غوره کړیدی. دی بزګرانو له اته ویشتوکلونو را پدی خواد بغلان دقند فابریکی ته چغندر (لبلبو) کړلی دی؛ که چه همدبغلان غوری بزرګران دچغندر وپه اجباری کرولوکی زیات مشکلات کایی خوبیا یی هم داکارونو اوسه پوری دخپلو اوخپلو میرمونو اوماشومانو دمتواو منګولو پهزورپر مخیولی دی. خوسر کال دچغندر دبزګرانو لپاره، په بی ساری توکه له غمونو، مصیبت اونوری ته ډک کال و.دفابریکی دناعاقبت اندیشو متصدیانو دید اواجراتو په نتیجه کی نیږدی پنځوس زره تنه چغندر همدا اوس اوس په کروندو کیودخوسا کیدو مرحلی ته تیږدیشویدی اودقند فابریکه یی دبزرګرانو دتیر کال خواری په سیندلا هوکړه.

تراوسه پوری یوازی دیرش زره تنه چغندرپه فابریکه کی استهلاک شویدی اوفابریکه دچغندردنه رارسیدله کبله یوازی په اویوچکروهی ا وویل کیږیچه دکارګرودمعاش اود اودبرینسا اوماشین داستهلاک نه پرته یوازی ددیرو ښکاره دورځی دسلوزرو افغانیو په فابریکه کی سوځی. دفابریکی دآمرانو درفوګذاشت د پوری دناقابل برداشت تاوان ته پرته، بزرګرانو ته هم نه زغمیدونکی صدمه رسولی ده. بزرګران معمولا دحوت په آخروورځو کی دچغندر کروند کری اروی اوغنم یی کری. خواوس چه چغندر لا په پنیوکی ولاړ دی په لزرګرانو یی دامکان سلب ګړیدی چه په دی ځمکوکی غنم وکړی ځکه هغوی داچغندر قضانه کیدونکی کشت په حیث کرلی دی اودهغوی په روزانه وخیشاوه کی یی دزراعت دمامورانو فشارو نه اوسزا وی کاللی دی او هیڅ فکر نه کوی چه دقند فابریکی به یی له هغوی نه وانخلی.

فابریکی ته دچغندرودانه رارسیدو علتونه دادی: په تیرو کلو کیبه عقرب په میاشت اویا دقوس په لمریو ورځو کی دچغندر ودراتولیدو کار شروع کیده اوپخوا تردی چه فابریکه چلانه شی دهغی ذخیری به په چغندرویکی وی اوداددوی لپاره چه فابریکه په نامساعد و جوی حالاتو کی بیموردە پرچاو نشی. مګرسږ کال دچغندر و دتولیدولو کار په جدی کی شروع شو اوله بلی خوا دهغوموترو ونو شمیر محدود کړی شو چه چغندر یی فابریکی ته رارسول، ور پسیید جوی شرایط راغلل اوفابریکی ته یی دچغندر ودراوړ لوامکان کمزوری کړ. بزرګران وایی چه په روان کال کی فابرکی نسبت پخواکلونو ته دوه میاشتی وروسته دچغندر دتخم په مور ووشیر.

مور له پرچم چخه هیله کووچه دغه مهم ټکی نه دهیواد دصلاحیت لرونکو مقام ماتو توجه په جدی نوګه راوکړزی چه دقند شرکت مجبورکاندی چه دخپلو آشنایانو اوناوړه پرګرام ترخه نتایج پخپله وزغمی اوبزګرانو ته دهغه چغندر و بیه ورکړی چه هغوی ترقراردادونو اوغیر قانونی فشارونولاندی پربزرګرانوکرلی دی اوفابریکی ته یی دراستولو مسؤولیت درلود.

باید دقندجورولو شرکت هغه تاوان هم وزغمی چهدغنموکرل کیدوپه وجه دبغلان اوغوری بزرګرانوته ور رسیدلی دی .

که چیری مسوول مقامونه د چغندر د بزګرانو حقوق حمایه نکړی بزګران به هیڅکله بیا هغو قیودو ته غاړه کی نږدی چه د کرهنی د وزارت او قند جوړولو د شرکت له خوا د چغندر د کرلو په مورد کی پر بزګرانو تحمیل کیږی. په درناوی

(و. د. پتنګ)

شاغلی (...) د »ګوره «تر سرخط لاندی یو ښکلی شعر راستولی دی، دلته د دغه شعر څو بیتونه وړاندی ګیږی:

زمورږدلافوزمامدارانو داظلمونه ګوره!
دهرآمر صاحب بی ځایه دامرږنه ګوره!
خپل حقوق غواړم وتی می چه تاجر کړی
حکم صادر دبندی توپ کړی ستمونه ګوره!
په څه قانون شومه بندی صاحبه تاته وایم
دی راته وایی چه خپل حق غواړی سیلونه ګوره
صاحبه څو پوری ظلمونه دفرنګ چلوی؟
دادظلم په وینو جورږسره تعمیرږنه ګوره.

* * *

شاغلی همایون میخانیک شعر خودرابعد ازمطلع چنین ادامه می‌دهد:

مزد رنج رنجبررا می خورد سرمایدار
مالک جان است دهقان را زمیندار غدار
این گروه تن پرست مفتخوارونابکار
نعش ها دادست درچنګال تیز لاشخوران
میزندادبار موج ازهردرودیوارما

وضع تأسف آور ورزش

و ورزشکاران در کشور ما

ورزش و تربیت بدنی یکی از عوامل مهم تندرستی و سلامتی انسان‌هاست و فعالیت‌های بدنی، استعداد و کار خلاقه را در انسان‌ها رشد و پرورش می‌دهد و آن‌ها را برای کار فعالانه آماده می‌سازد.

در کشور عقب نگه‌داشته شده ما، در قطار همه مسایل و شئون دیگر حیات اجتماعی وضع ورزش و ورزشکاران به‌طور استثنائی بحرانی و درهم است، به حدی که از ورزش به معنی واقعی آن حتی نشانی هم نمی‌توان دید. ورزشکاران چون سرشار از استعدادهای خلاقه کشور ما در بدترین شرایط به تمرین می‌پردازند. ایشان فاقد حداقل وسایل و امکانات برای رشد استعدادهای خود هستند جای مناسبی جهت انجام تمرینات سپورتی برای ایشان میسر نیست. دین لحاظ غالباً در اتاق‌های نمناک و غیر صحی تمرین می‌نمایند، و برای تأمین انرژی مصرف شده خود امکاناتی در دسترس ندارند. درحالی‌که تعدادی از جوانان پراستعداد ما در کنار جاده‌ها و در کوچه‌های پر از گردوخاک خود را سرگرم می‌سازند. اکثریت بزرگ جوانان بنا بر فقدان وسایل و امکانات از هرگونه تمرینات ورزش محروم هستند.

در کشور ما از میدان‌های ورزشی و کلب‌های سپورتی به معنی واقعی و وسیع آن اصلاً خبری نیست. در کابل که به‌اصطلاح گل سرسبد شهرهای کشوراست، جز دو سه میدان ورزشی ناقص که در آن‌ها فقط مردان می‌توانند به تمرین بپردازند ورزشگاه دیگری وجود ندارد. چه رسد به ولایات کشور که مردم آن جایی را بنام ورزشگاه نمی‌شناسند و چه بسی استعدادهایی که پرورده ناشده خاک می‌شوند.

متأسفانه حتی ورزشکاران حرفوی ما نیز مجبورند که برای تأمین معیشت خویش، به هرگونه کارهای مشکل دیگر بپردازند. بدین لحاظ صحت ایشان همیشه در مخاطره است.

با این اوضاع و احوال تعجبی ندارد که تا اکنون در هر مسابقه جهانی مؤفقیت‌های قابل تذکاری نصیب ورزشکاران کشور ما نشده است. ولی آیا دلیل آن عدم استعداد جوانان ماست؟ نه هرگز! بلکه نتیجه وضع اقتصادی و اجتماعی موجود وعدم توجه مقامات حاکمه کشور، بنا بر ماهیت ارتجاعی آن‌ها می بلاسد. درحالی‌که زندگی معاصر و حیات ایجاب می‌نماید که به‌منظور تربیت حتمی در کلیه مدارس و مؤسسات و خارج از آن‌ها سالون‌ها و میدان‌های ورزشی احداث گردد. شبکه ورزشگاه‌های مخصوص کودکان در شهرها و روستاها و شبکه آموزگاه‌های ورزشی و اردو گاه‌های یونورستی و مراکز سکی و مراکز شنا، حوض‌های آببازی و سایر مؤسسات ورزشی توسعه یابد. ولی باید درنظرداشت تا وقتی که تغیر بنیادی در جامعه ما رخ ندهد هیچ گونه پیشرفت و بهبود قابل ملاحظه‌یی در هیچ یک از شئون زندگی اجتماعی و از آن جمله ورزش به وجود نخواهد آمد. معهذا در شرایط فعلی نیز لازم است که برای تأمین حداقل شرایط مساعد درزمینهٔ ورزش و وضع زندگی ورزشکاران کشور مبارزه صورت گیرد و اتحادیه‌های سپورتی ورزشکاران ایجاد گردد.

حشمت کیهانی

انتخاب شاروالی برمراد دل نشد
نیست کرسی عالی دگر غمخوارما

د کنر نه ښاغلی (ف.ق) لاندینی شعر رااستولی دی:

ما خو لیدلی دی طاقت د خلکو — تاریخ شاهد دی پټیدلی نشی
مانیی د ظلم په لړزه راولی — د خلکو زور ته ټینګیدلی نشی
په اتفاق او اتحاد کی زمور — رخنه په زور واریدی لای نشی
تاسی یی ګورئ څه چمونه کوی — مور پیژندلی، ځان ښودلی نشی
د استعمار او ارتجاع هتکړی — زمور لاسو کی شر نکیدلی نشی
زیاتی دی خلکوته په سپکه کتل — خان غولول دی ښادیدلای نشی
د استعمار مانی خو مور ورانو و — وخت ورته شته دی خلاصیدلی نشی
چه یوځل پورته شی پرچم دخلکو — په استبداد د ښکته کیدلی نشی.»

* * *

ښاغلی محمد شاه (واعظ) در غزل دری خویش می‌گوید:

«ګر بمن فرصت تفتیش میسر می‌شد
کار خاین همګی تیره و ابتر می‌شد
همه افراد اگر صادق و دانا بودی
سرفرازی وطن زینت کشور می‌شد
بهر آبادی این کوه و کمر چون واعظ
گر فدا ساختمی خویش چه بهتر می‌شد»

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان خپرونکی

۲۶ حوت ۱۳۴۷

رویدادهای مهم جهان در هفته گذشته

مسؤول جنگ در شرق میانه اسرائیل و حامیان امپریالیســـتی آن است

قوماندان اعلی قوای مسلح جمهوریت عربی متحد اعلان داشت که در هفته گذشته تجاوزکاران اسرائیل توسط قوای توپچی زرهدار و تانک ساحل غربی کانال سوئز را در مناطق الفنظره و اسماعیلیه و سویز تحت آتش قرار داده و جمهوریت متحد عربی به پاسخ این آتشباری پرداخت به‌طوری که در جنگ سرتاسری کانال سویز اسرائیل تلفات سنگین را متحمل گردید. چنانچه جراید اسرائیلی نیز تلفات اسرائیل را سنگین خواند.

از یک طرف پارتیزان‌های عربی ضربات هلاکتبار خود را بر اشغالگران ادامه می‌دهند، از طرف دیگر دستگاه دولت اسرائیل به بحران مواجه است فعالیت‌های موشی دایان وزیر دفاع اسرائیل برای تشکیل یک دولت بزرگ اسرائیل حتی در داخل خاک اسرائیل با مخالفت شدید مقابل شده و یک رهبر اسرائیلی گفته است که وی به‌جای تشکیل اسرائیل بزرگ کوچک را هم برباد خواهد داد.

نازیزم برای ابد محکوم تاریخ است

هنوز خاطرات فجایع نازی‌ها، که بقول هویس رئیس جمهور اسبق آلمان غرب، باید ملت آلمان برای همیشه از آن خجالت بکشد در اذهان مردم اروپا باقیست و مناظر هول انگیز کریماتوریم‌ها (کره‌های آدم سوزی) داچاو، بوخنوالد واسویسم، قلب هر انسان شریف و بشردوست را می‌لرزاند که از یک‌طرف فاشیزم آلمان در وجود حزب ناسیونال دموکرات احیا شود و حتی نمایندگان آن توسط وسایل نقلیه آلمان غرب جهت اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری به برلین غربی حمل می‌گردد و از طرف دیگر نیروهای متنفذ و نیرومندی در آلمان غرب به حمایت و پشتیبانی از مجرمین و جنایت کاران نازی و جنگ، بی‌پرده و برهنه به فعالیت آغاز می‌نمایند. چنانچه درین اواخر ریچارد جایگر معاون رئیس بوندس تاگ (ولسی‌جرگه) و وزیر عدلیه سابق آلمان غرب طرح خود را راجع به مصئونیت جنایتکاران نازی و مجرمین جنگ دوم جهانی نشر نمود. وی در طرح خود اعلان نمود که تمام جنایتکاران نازی و مجرمین جنگ در آلمان فدرال به چهار سال حبس محکوم گردیده‌اند، از جزا معاف شوند و محاکمه آن‌هایی که صرف به جرم معاونت به جنایتکاران تحت محاکمه گرفته می‌شوند، متوقف گردد.

گرچه از دیر زمان است که مبارزه پر سر و صدایی در آلمان غرب به طرفداری و تبرئه مجرمین جنگ و جنایتکاران نازی آغاز گردیده است ولی تاریخ و بشریت حکم خود را برای ابد بر نازیزم صادر نموده است. هیچ کس نمی‌تواند آن‌ها را تحت هیچ عنوانی عفو کند.

مارش ضد اتومی

مارش بزرگی که در آن هزاران نفر از قهرمانان صلح اشتراک داشتند در بروسل، مرکز بلژیک صورت گرفت.

مظاهره با یک میتنگ از چهارراهی سالون آغاز گردید. رهبران مارش ضمن خطابه‌هایشان تجاوز امریکا را در ویتنام محکوم نمودند و ضرورت توسعه مبارزه درراه خلع سلاح، امنیت اروپا و خارج شدن بلژیک را از پیمان ناتو تأکید کردند.

مردم ترکیه علیه اشتراک آن کشور در پیمان ناتو اعتراض می‌کنند

از مباحثات داغ و هیجان آمیز وکلای مجلس ملی ترکیه که مدت زیادی دوام کرد، این حقیقت آشکار گردید که کشور ترکیه با پرابلم‌های حاد و مغلق اقتصادی، مالی مواجه می‌باشد.

ازآنجایی‌که ترکیه هنوز با صدها رشته به نیروهای غربی بستگی دارد، مسایل مربوط به سیاست خارجی آن کشور نیز درین مباحثات با برجستگی و اهمیت خاص تلقی گردید.

نیروهای مترقی ترکیه بیش از پیش از اشتراک ترکیه در پیمان انتلانتیک شمالی اظهار تشویش می‌نمایند. عضویت هفده ساله ترکیه در پیمان مذکور مبین این حقیقت است که: خطری که از جانب خود پیمان اتلانتیک می‌باشد، نه «خطر موهوم شمال؟ »عده‌یی از سناتوران ترکیه اظهار داشتند که اکثریت بزرگ قوای مسلح آن کشور تحت قوماندانی جنرال‌های ناتو قرار دارند که ایشان مصروف پلان‌های تجاوز کار می‌باشند.

محافل سیاسی، انجمن‌های اتحادیه کارگران به شمول حزب کارگر ترکیه را عقیده بر آنست که اشتراک ترکیه در پیمان ناتو با منافع ملی مردم آن کشور تضاد دارد و در راه همکاری ترکیه با تمام کشورهای صلح جو بالخصوص کشورهای همسایه موانع ایجاد می‌نماید.

اعتصاب و تظاهرات

شاگردان لیسه اندخوی

اهالی شهر و دهات اندخوی از مطالبات قانونی شاگردان پشتیبانی به عمل آوردند

شاگردان لیسه اندخوی از تاریخ ۲۷ دلو تا پنج حوت به‌عنوان اعتراض علیه مدیر لیسه به تظاهرات و اعتصاب پرداختند.

رویه خشن و حرکات قانون شکنانه مدیر لیسه عاملی بود که موج این جنبش را برانگیخت.

سرمای شدید امسال مخصوصاً برای شاگردان مکتب و فرزندان پابرهنه خلق که از دهکده‌های دورافتاده برای تحصیل به شهر می‌آیند فوق‌العاده تحمل شکن بود. اتاق‌های بی‌پرده وبی شیشه صنوف لیسه با هوای سرد و برنده خود شاگردان را شدیداً رنج می‌داد و چوب هم برای تسخین صنوف درسی خریداری شده بود، دفتر و اتاق‌های منزل مدیر لیسه را گرم می‌ساخت. شاگردان که بنا بر سرمای کشنده ...؟

مدیر لیسه با ابراز خشم هریک از شاگردان را خلاف قانون پنج پنج روز غیر حاضر کرد و این عمل سبب شد که شاگردان لیسه به تاریخ ۲۷ دلو با حفظ وحدت و همبستگی کامل به‌عنوان اعتراض دست مظاهره بزنند و روی جاده‌های پر برف و یخ بسته شهر به حرکت افتند.

صفوف تظاهر کنندگان که به‌وسیله صدها تن از پدر او وابستگان شاگردان همراهی و تایید می‌شد، به‌سوی ولسوالی اندخوی رو آورده یادداشتی مبنی بر خواست‌های قانونی خویش به ولسوالی تقدیم کردند.

چون برخورد ولسوال سردتر از وضع مدیر لیسه بود، لهذا شاگردان دست به اعتصاب زدند و تا تاریخ ۵ حوت به اعتصاب ادامه دادند.

هیئتی از ولایت فاریاب آمده مذبوحانه تلاش کرد تا تهدید و تخویف در صفوف شاگردان رخنه وارد کند، ولی شاگردان هوشیارانه اتحاد خود را حفظ شعارهای مرده باد اخلال گران، مرگ بر گماشته گان ارتجاع. این دسیسه را افشا کردند.

سرانجام استقامت شاگردان سبب شد که هیأت مذکور مدیر لیسه را به ولایت اعزام کند و وعده دهد که هرچه زودتر خواست‌های آنان برآورده می‌شود.

بنا بر آن شاگردان لیسه به روز (۵ حوت) به اعتصاب خود خاتمه دادند و حیات عادی تعلیمی خود را از سر گرفتند.

اعتراضات و خواست‌های شاگردان که به مقامات رسمی تسلیم داده شد قرار آتی است:

۱- چرا درین سردی طاقت فرسا چوب تسخین تهیه نمی‌گردد؟

۲ - چرا خلاف ماده (۲۶) قانون اساسی و اصول تدریس علمی از لت و کوب وحشیانه در برابر شاگردان کار گرفته می‌شود؟

۳- چرا شاگردان خودسرانه مدتی از مکتب طرد می‌شوند و نمرات تهذیب متعلمین تنقیص می‌گردد؟

۴ – چرا معاشات شاگردان دارالمعلمین در طول شش ماه گذشته اجرا نشده است؟

۵- چرا مدیر لیسه اندخوی که به ابراز مطالبات قانونی‌شان پنج پنج روز خلاف قانون غیر حاضر گردیده‌اند؟

یکی از دوستان محترم پرچم شعری را همراه با نامه دوستانه‌یی از خارج کشور بما فرستاده و خواهش نشر آن را نموده‌اند. ما با ابراز امتنان از حس علاقه این دوست ارجمند شعرشان را درین جا به نشرمی سپاریم.

آتـــــشـــــم

آتشم از پای تا سر
شعله خیزد از دلم
آتشم دامن مزن.
الحذر از ابن لهیب بر فراز و پر نشیب
گلشنم
باد بر خرمن مزن.

* * *

شعله‌ام جان‌سوز و لیکن آتشش را رنگ نیست.
ناله من بی‌صدا
کاروان دل تپش‌ها دارد، اما ناقه‌اش را رنگ نیست.

* * *

آتشم سوزانم و سوزنده‌ام،
جرقه‌هایم زره سوز،
زره‌هایم شعله خیز،
شعله‌هایم مرد زاء و
مردهایم در ستیز، با بدی‌ها باد نائتها.
مداوم در نبرد بی گریز

* * *

آتشم، نورم، ولیکن از نظرها مخفی‌ام،
رنگ من آه غریب،
آه من رنگ غریب،
سرد وزرد، زرد و سرد.

پاریس یونس سرخابی

از (ص ۳)

نسوار فروشان ...

آن را بفروش می‌رسانند تحت تهدید قرار داده، اصرار کردند تا فوراً جریمه معینه را جمع آوری نموده به این مهمانان ناخوانده بسپارند. اهالی نجیب قریه که مصروف تدفین یک میت بودند، التماس نمودند تا حرمت میت را در نظر گفته بعداً مفاهمه نمایند، مگر این موکلان بدون جزئی‌ترین اعتنا عده‌یی را به یاری پولیس در داخل مسجد قریه محبوس نموده به تهدید تخویف پرداخته و یک عده را مورد شتم و ضرب قراردادند. چون وقاحت و بی‌شرمی از حد گذشت، برخی از جوانان به دفاع اهالی برخاسته به معیت تقریباً چهل تن از باشندگان (قغلتون) برای دادخواهی به ولسوالی عارض گردیدند. مگر تاکنون تصمیمی از طرف مقام مربوط گرفته نشده است.

از جریده محبوب پرچم توقع می‌شود تا به غرض افشای این حرکات وحشیانه که چون لکه ننگی در عصر راکت و کیهان بر جبین دستگاه حاکمه افغانستان داغ می‌گذارد به نشر این جریان مبادرت ورزند.

حقوق کارگران فابریکه جنگلک

پامال می‌شود

خبرنگار پرچم اطلاع می‌دهد!

طوری که خوانندگان محترم این جریده اطلاع دارند، کارگران شریف و زحمتکش جنگلک در ماه‌های ثور و جوزای سال جاری، بنا به برخورد غیرقانونی و نادرست کارفرمایان جنگلک در برابر خواست‌های صنفی و قانونی خویش دست به اعتصاب زدند، اما علاوه بر اینکه این حرکت قانونی کارگران بی‌رحمانه سرکوب شد و به حبس و زندانی شدن عده‌یی از کارگران انجامید، چنانچه پرچم بارها در دفاع از کارگران جنگلک صدای اعتراض خود را بلند کرد، مقامات مسؤول جنگلک بعد از ختم اعتصابات معاش ۱۵ روزه ایام اعتصاب را به کارگران نپرداختند و طوری که در شماره (۲۰) پرچم انتشار یافت خلاف قانون ایام اعتصاب را بر رخصتی کارگران معامله کردند و آنان را ازین استحقاق قانونی نیز محروم ساختند.

این وضع غیرعادلانه و خلاف قانون کارفرمایان جنگلک و پامال شدن ظالمانه حقوق کارگران شدیداً نفرت و انزجار ایشان را برانگیخته و جدا علیه آن اعتراض می‌نمایند.

وزیر خارجه الجزایر در اتحاد شوروی

پس از بازدید پنج روزه وزیر خارجه الجزایر از اتحاد شوروی اعلامیه‌یی منتشر گردید که در آن گفته شده است:

- باید اراضی اعراب که توسط نیروهای اسرائیل اشغال شده است تخلیه گردد.
- به خلق ویتنام موقع داده شود تا سرنوشت خود را تعین نمایند.
- باید علیه استعمار نوین در آسیا، افریقا و امریکای لاتین مبارزه صورت گیرد.
- خلع سلاح عام و تام صورت گیرد.
- الجزایر از ابتکارات شوروی درباره خلع سلاح ستایش می‌نماید.
- اتحاد شوروی و الجزایر فیصله نمودند تا یک کمسیون مشترک همکاری دایمی به وجود آورند.

بزرگ‌ترین اعتصاب کارگری در فرانسه

بعد از اعتصاب سال گذشته در کشور فرانسه، اینک مردم جهان شاهد بزرگ‌ترین اعتصاب کارگری در فرانسه بودند. اعتصاب روز دوشنبه ۱۱ مارچ به ابتکار فدراسیون عمومی کار- فدراسیون دموکراتیک کار و اتحادیه محصلین و غیره صورت گرفت. درین اعتصاب ۹ ملیون انسان زحمتکش و فعال شرکت داشتند.

عمده‌ترین علت این اعتصابات در کشورهای سرمایه‌داری اروپای غربی تضاد بین کار و سرمایه است و کارگران این کشورها تحت ستم سرمایه قرار دارند. کارگران دایماً جهت ازدیاد دستمزد، بهبود شرایط زندگی و کار دست به اعتصاب می‌زنند.

پیش‌آهنگ این نهضت کارگری سازمان طبقه کارگر این کشوهاست. حزب کمونیست فرانسه طی پیامی به اعتصاب کنندگان گفت: تنها مبارزه متحد و پیگیر دولت را مجبور به عقب نشینی می‌سازد.

(د لومړی مخ پاتې)

د نیشنل عوامی ګوند

ته رسیدلی دی. په پښتونستان کی د پاکستانی قوتونو او آزادی غښتونکو تر مینځ کلک تصادومونه وشول دواړو خواه ته څوتنه مړه او زخمیان شول.

د ګدی میز دکنفرانس نتایج لا تر اوسه (د حوت ۲۲) پورې ندی معلوم. د فدرالی سیستم شته کول، د یوه یونت الغا او د خودمختاری غوښتنه په کنفرانس کی د مخالفو حزبونو او شخصتونو غوښتنی دی.

د نشنل عوامی ګوند مشر عبدالولی خان د ګردی میز د کنفرانس په غونده کی د یو یونت لری کول، د خودمختارو ولایتونو تشکیل، د فدرالی سیستم تأسیس او نورو دموکراتیک حقوق او آزادی غښتنی.

د افغانستان د خلکو دموکراتیک قوت د صدرعبدالولی خان په لار رسوونه د نشنل عوامی ګوند اصولی وښاره او زړور موضعګیری د یونت او نورو دموکراتیک مطالبو په مورد کی ستایی او تاکید کړی چه دنشنل عوامی ګوند موضعګیری د پښتونستان، بلوچستان او د پاکستان د خلکو ملی آزادی ببنونکی نهضت یو داسی ستر ګام دی چه خامخا بری ته وسیږی.

پرچم

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق
آدرس: محمد جانخان واټ. زرلښت مارکیټ. کابل - افغانستان
تیلفون: ۲۳۱۶۴
د یوه ګنی بیه: ۲/۵ افغانی **(مطبعه دولتی)**

تایپ متن: میر کامور، ویرایش جدید: عمر فیض